گزارش

احمدی‌مقدم:

## رویکرد اجتماعی پلیس به معنای کاهش اقتدار آن نیست

● **شرق:** فرمانده نیروی انتظامی با اشاره به اینکه رویکرد اجتماعی پلیس به معنای کاهش اقتدار آن نیست و قرآن نیز بر این موضوع تاکید دارد که «اشدا علی الکفار و رحماء بینهم»، گفت: براساس نص قرآن کریم باید با گروهی برخوردی شدید و با گروهی دیگر نرمش داشت و این دو مفهوم در مقابل همدیگر نیستند. به گزارش سایت پلیس، سردار اسماعیل احمدی‌مقدم ادامه داد: البته راهبردهای اتخاذ شده در این خصوص متفاوت است و استفاده از روش‌های خشن، فرهنگی یا برخوردی میانه با مردم به عوامل متعددی چون امکانات، توانمندی‌ها و شایستگی‌های درون سازمان پلیس، برمی‌گردد. وی خاطرنشان کرد: پلیس کشوری که دارای حاکمیتی خشن و دیکتاتورمآبانه است، مردم پذیرشی برای همراهی و جامعه‌محورشدن با پلیس چنین کشوری ندارند چرا که پلیس در تمام دنیا نماینده و نماد حاکمیت تلقی می‌شود. احمدی‌مقدم خاطرنشان کرد: نیروی انتظامی متاثر از انتخابات و تغییرات سیاسی کشور نیست و دارای ثبات مدیریتی و برنامه مدون است، این در حالی است که در دولت به دلیل انتخابات و سلایق و دیدگاه‌های مختلف که با هر تغییر دولت همراه است، معمولا برای به‌روزکردن اطلاعات و در دست گرفتن عنان فعالیت‌ها، زمان لازم است؛ ممکن است دیدگاه دولت پیشین مورد پذیرش دولت جدید نباشد و این امر باعث متوقف‌شدن برخی از پروژه‌ها و تغییر در اولویت‌ها و در نهایت تغییر در سرعت انجام امور شود. به گفته فرمانده ناجا گرچه طبع مردمسالاری و انتخابات در کشور ممکن است باعث بروز مشکلاتی شود اما اصل انتخابات و تعیین سرنوشت مردم توسط خود آنها، بیشتر از ثبات مدیریت‌ها مصالح ما را در بلندمدت تامین می‌کند. این مقام ارشد انتظامی اظهار کرد: ناجا و به‌طور کلی نیروهای مسلح به دلیل فارغ بودن از تحولات سیاسی در مسیری آرام‌تر و مستمرتر قرار دارند و می‌توانند براساس اولویت‌های خود حرکت کنند. احمدی‌مقدم ادامه داد: باید تلاش کنیم، ابزار، قدرت و اقتدار ذیل مصلحت و تعقل و تدبیر قرار بگیرد در واقع باید تلاش ما این باشد که مسایل اجتماعی را امنیتی نکنیم که بعد مجبور به استفاده از خشونت شویم، بلکه مسایل امنیتی را بتوانیم همانند بیمار تب‌داری تلقی کنیم که باید تب وی را پایین آوریم نه اینکه وضعیت را بحرانی‌تر کرده و سپس به جراحی بپردازیم.



عکس: حمیدرضا دستجردی، ایسنا

## گزارش «شرق» از خشکسالی در استان سمنان

# روز، سکوت، کویر

فاطمه جمال‌پور

«اگه اینطوری پیش بره، ما مشکل پیدا می‌کنیم. هیچی نداریم بفروشیم بریم شهر. از بدبختیمان است که اینجا گیر کرده‌ایم.» اینها را می‌گوید و دسته‌های فرغون را از زمین بلند می‌کند و می‌رود. داخل فرغون چهار دبه چهارلیتری آب است؛ سهم هرخانوار روستا در هر ۴۸ساعت که گاهی به دو دبه هم کاهش می‌یابد. در مسیر زن به خانه‌ای می‌رسد که در حیاتش یک منبع قرار دارد و زنان روستا صف کشیده‌اند برای پر کردن دبه‌هایشان. پنج، شش‌تایی می‌شوند و هفت، هشت بچه قدونیم‌قد اطرافشان پرسه می‌زنند. چادرها را دور کمرشان بسته‌اند، با دامن و شلوار و بلوز و دمپایی پلاستیکی. پاهای خاک‌گرفته. صورت و لباس بچه‌ها به چرک نشسته. هر ۴۸ساعت، نیم‌ساعت آب شرب باز می‌شود و تنها به این یک خانه می‌رسد که در پایین‌دست روستا قرار گرفته است. سهم هر خانواده پنج، شش‌دقیقه‌است.

اینجا روستای «کلو» در ۱۲۰ کیلومتری جنوب دامغان و در دل دشت کویر است. جاده از دشت دامغان و کوهپایه‌ها می‌گذرد تا به دشت یزدان‌آباد و سر کویر می‌رسد.

یک‌سالی است که خشکسالی و بحران کویر مرکزی را درنوردیده و به روستاییان رخ نشان داده. اینجا مردم آب شرب ندارند: «به خاک سیاه نشسته‌ایم.» آرام صحبت می‌کند؛ خیلی آرام‌تر از صدای زوزه باد در کویر و وادارت می‌کند گوش‌ها را تیز کنی و چشم‌ها را ریز.

زهرا ۲۰ساله است. یک پسر چهارساله و دختری یک‌سال‌ونیمه دارد. شوهرش رفته شهر برای کارگری و او ناچار است چرخ زندگی را در میانه بحران بی‌آبی بچرخاند: «سخته، بچه‌هامون هم کوچیکن. مجبوریم خوابشان کنیم و بیاییم آب ببریم. بعضی روزا که کمتر است دوتا دبه می‌گیریم. برای حمام آب از قنات میاریم با فرغون هفته‌ای دوبار آبگرمکن را پر کنیم. لباس و ظرف را هم می‌بریم سر قنات. بیشتر مردم رفتند. حدودش را نمی‌دانم زیاد بودیم الان بیشتریا رفتند. ما نمی‌تونیم بریم شهر. خیلی گرون است اجاره و اینها. نمی‌توانیم بدهیم. خیلی سخت است و اذیتیم. زمستان‌ها خیلی سخت‌تر می‌شود. نمی‌شود بروی سر قنات. بچه‌هامان کوچکند. مریض می‌شوند. همه‌اش مریضند. الان دوسال است اینطوری است. امسال بدتر شده پارسال آب تا محله‌هامان می‌آمد. یکی،دوخانه در هر محله آب داشتند الان فقط همین یک خانه آب دارد.»

**خشکسالی از پی زلزله**

پارسال اینجا زلزله آمده و امسال خشکسالی گریبانشان را گرفته است. آب شرب روستاها قطع شده، قنات روستا کم‌آب شده، کشاورزی از بین رفته و آنقدر سختشان شده که خانه‌های نوساز پس از زلزله را رها کرده‌اند و رفته‌اند شهر، در شهر هم تنها کارگری و اجاره‌نشینی انتظارشان را می‌کشد. برای هر خانه هم ۱۶میلیونی وام بدهکارند و قسط.

در کنار روستای «کلو» روستای «شیمی» قرار گرفته است. سربالایی می‌رسد به زمین بازی کودکان با یک تاب، سرسره و... که وسایل بازی‌اش جز یک تاب بر زمین وارونه شده‌اند. پایین‌دست زمین بازی قنات دارد نفس‌های آخرش را می‌کشد. نیم‌لیتر آب در ثانیه. زنی کم‌سن‌وسال لباس‌ها را درون جوی باریکی که از استخر قنات جاری است ریخته و نشسته به شست‌وشو. سه پسربچه دوروبرش جست‌وخیز می‌کنند با لباس‌های وصله‌شده خاک‌آلود. همه اینجا چهره‌های بور دارند، زردی موها زیر نور آفتاب برق می‌زند. با صورت‌های کک‌مکی آفتاب‌سوخته. لباس‌ها را روی هم تلمبار می‌کند. دست از شستن می‌کشد: «شوهرم بیاد صحبت کنه. اصلا آب نیست. محتاج یک لیوان آبیم. آب شربمان از «دهنب» میاد. کم میاد خیلی. ما در خانه‌هامان آب نداریم. محتاج یک‌قطره آبیم.» بچه‌ها رفته‌اند دنبال همسرش و مرد از راه می‌رسد. قدبلند و چهارشانه است. قبل از هرچیز برق زنجیر طلای دور گردنش چشمم را می‌گیرد. می‌گوید: «از نظر آب خیلی در مضیقه‌ایم. تانکر اصلا نمیاد. امسال فقط دوتا تانکر آب آوردن. آب خوردن را می‌رویم از ده «توچاهی» می‌آوریم. با ماشین می‌رویم و ۲۰لیتری آب می‌آوریم. قبلا اینجا صد تا خانوار جمعیت داشته الان ۱۰ تا خانوار.»

معتمد محل را هم صدا می‌زنند. پیرمرد خمیده‌ای است. عبا به تن دارد و عصابه‌دست، تعارف می‌کند که بفرمایید داخل چایی در خدمت باشیم و تو فکر می‌کنی چهار استکان چایی هم برایشان چهار استکان آب است در این برهوت. کوچه خاکی به باغستانی تقریبا خشک‌شده منتهی می‌شود. معتمد پیر می‌گوید: «ما در اثر بی‌آبی خیلی در مضیقه‌ایم. از سر بی‌آبی، حاصل نداریم، درخت نداریم. قبلا گندم می‌کاشتیم، جو می‌کاشتیم، یونجه می‌کاشتیم برای دامممان، زردآلو برمی‌داشتیم حاصل. خلاصه اموراتمان می‌گذشت. در اثر خشکسالی واقعا بدبخت شدیم. سه، چهارساله شروع شده. قبلا هم کشاورزی بود، هم دامداری و هم قالیبافی. ۷۰تا خانوار بودیم. الان ۱۰ تاییم. اگه اینطور باشد ما با این پیرمردی‌مان باید برویم دامغان سکنی بگیریم و آنجا هم که خانه نداریم. سخت است.»

همسرش تایید می‌کند که «آب لوله‌کشی‌مان شش‌ماهی است از ریشه قطع شده.» قادری، کارشناس امور آب می‌گوید: «دوتا چاه کندیم برای روستای شما اما هیچ‌کدام به آب نرسید.» قاسمی، عضو شورای روستا می‌فهمد خبرنگاری از تهران آمده و زنگ زده که: «شیمی ۷۰خانوار داشته الان ۱۵،۱۰ تا شده‌اند که، هفت، هشت‌تا هم بگومگوی رفتنشان است. مردم از سر ناچاری و زور بی‌آبی خانه‌های نوساز بعد از زلزله را خالی کرده و رفتند»

در روستا که بچرخی خبری از اهالی نیست. کوچه‌های خاکی در سکوت فرورفته‌اند و جز معدود بچه‌های خردسال کسی را نمی‌یابی. بر دیوارهای تمام خانه‌ها گچ مالیده‌اند تا جلو چشم‌زخم را بگیرد. جاده به‌سمت دامغان بازمی‌گردد و کمی بعد از روستاهای «کلو» و «شیمی» مرکز بخش، روستای «کوه‌زر» قرار گرفته. اینجا تا سال‌های سال معدن طلا بوده؛ معدنی که برای چندین‌سال دست روس‌ها و آلمان‌ها بوده و طلا استخراج می‌کردند و تا آن‌موقع وضعشان خوب بوده تا ذخیره طلا ته می‌کشد و رو می‌آورند به کارگری، دامداری و کشاورزی فصلی. می‌توانی رد این تاریخ را در نام و نام خانوادگی برخی اهالی ببابی؛ همچون ابوالفضل جرج، امین جرج... . بی‌آبی گریبان کوه‌زری‌ها را هم گرفته. بر در و دیوار تمام خانه‌ها علاوه‌بر گچ‌ها چشم نقاشی شده تا جلو چشم‌زخم را بگیرد و غیر از آن پیت‌های پلاستیکی و حتی صندلی‌های پلاستیکی شکسته از در و دیوار خانه‌ها آویزان است تا مانع چشم‌خوردن شود.

**نه آب داریم نه نان**

زن میانسال با پیراهن آبی گلدار و پاهای برهنه بر آستانه در ایستاده. شوهرش را صدا می‌زند برای صحبت. درون حیاط یک منبع آب هست برای اهالی دوخانه. مرد می‌گوید: «خانم اینجا آب هیچی نداریم. چهارروزی یک‌ساعت آب را باز می‌کنند. اینجا ۲۰۰خرده‌ای خانوار داشته که نیمی‌شان رفته‌ان. شغلمان کارگری است. قبلا بهار که می‌شد کشاورزی و دامداری می‌کردیم و من ۳۰، ۴۰تا گوسفند داشتم اما از ناچاری که تلف نشوند فروختم.» دم در ورودی پیرزنی از راه می‌رسد و بی‌مقدمه می‌گوید: «خانم بنویس بچه و پیرمون همه گشنه‌ان و اشاره می‌کند به پسرک جوان که: «یه‌بچه‌ای مثل این کارگر به شهر بره با سه بچه و اجاره‌خانه‌هایی به این بالایی چی‌کار کنه؟ به‌خدا همه دارن میرن. فرار می‌کنن از گشنگی. نه آب داریم، نه کار داریم، نه کمکی میرسه.دار و درخت و باغ داشتیم همه خشک شده. به‌خدا دولت به فکر روستاها نیست.»

**روستای سالمندان**

۵۰،۶۰کیلومتری از کوه‌زر تا «رشم» و ورودی کویر فاصله است. روستای رشم یا آنگونه که تابلو ورودی‌اش می‌گوید «قطب گردشگری رشم» ورودی سر کویر است. جاده کویری صاف و هموار می‌رسد به کوهپایه‌ها و بعد رشم قرار گرفته در انتهای کوهپایه‌ها و دشت آغاز می‌شود و می‌رسد به کلو و شیمی و کوه‌زر و... . قدیمی‌ها می‌گویند پیش‌ترها جای دشت، دریا بوده و رشم بندرش.

**خشکسالی گریبانشان را گرفته است. آب شرب روستاها قطع شده، قنات روستا کم‌آب شده، کشاورزی از بین رفته و آنقدر سختشان شده که خانه‌های نوساز پس از زلزله را رها کرده‌اند و رفته‌اند شهر، در شهر هم تنها کارگری و اجاره‌نشینی انتظارشان را می‌کشد. برای هر خانه هم ۱۶میلیونی وام بدهکارند و قسط**

منظره روستا از جاده غم‌انگیز و دلهره‌آور است. جای خالی کشت‌های هرساله زرد شده و تنها یک‌تکه زمین سبز بر کوهپایه باقی مانده است. مرد بیل می‌زند و از رد هر بیل خاک بلند می‌شود. دو زن بقچه‌های بزرگ گون را که غذای دام‌هاست بر سر می‌گذارند و می‌روند سمت روستا. وارد روستا که می‌شوی دبستان عشایری قرار گرفته و والدین در انتظار پایان نخستین روز تحصیلی فرزندانشان. خیلی نیاز به توضیح نیست. «آب» که بگویی سر درد دل همه‌شان باز می‌شود آنقدر که دیگر صدا به صدا نمی‌رسد: «چشمه‌های روبه‌رو رو ببین. همه خشک شدن، زراعت از بین رفته. این دو، سه‌روزه پنج تا خانوار رفتن. همه دارن کوچ می‌کنن. جوونا همه میذارن میرن. ماییم و یه یارانه ۴۵هزارتومنی. با همین زندگی می‌کنیم. پول نان هم نداریم از یک‌سال پیش این‌طوری شده. هیچی نداریم. قبلا جو می‌کاشتیم، یونجه، پنبه، ارزن، همه‌چیز. اما الان فقط نیم من گوجه کاشته‌ایم.»

زن جوان دیگری می‌گوید: «خدایی تو کوچه ما نان ندارن بخورن. بیا برو مدرسه ما را ببین. الان ۱۱ تا بچه‌ان. قبلا ۳۰ تا بودند. این‌طور پیش برود مدرسه تعطیل می‌شود مدرسه را جمع می‌کنن، بچه‌هامان مثل خودمان بی‌سواد می‌شوند.» زن میانسال دیگری دست‌هایش را می‌آورد جلو که: «دست‌های من را نگاه کن. شب به شب با وازلین چرب می‌کنم. زن و مرد از صبح تا شب کار می‌کنیم هیچ درآمدی نداریم.» دست‌هایش را پس می‌کشد و نگاهم همچنان روی ترک‌های عمیق و تازه انگشتانش جا می‌ماند. اینجا مردم آب شرب دارند. دولت برایشان چاهی بر روی گسل زده اما چشمه‌ها رو به خشکی است و از کشاورزی و دامداریشان چیزی نمانده است. مرد جوان می‌گوید: «آب‌خوردن داریم اما یک لقمه نان هم باید باشد که بخوریم.» مردی دیگر که ۱۸سال مسوول شورای روستا بوده و حالا هم پسرش عضو شوراست سوار بر موتور از راه می‌رسد: «جوان‌ها روز به روز دارند از آبادی می‌روند کی می‌ماند؟ سالمندان. می‌شود روستای سالمندان. دامداری ما از بین رفت ۱۵هزار دام داشتیم، شد ۱۵۰۰. ۵۰۰ خانوار شده ۱۰۰ تا خانوار. اینها هم هی دارند می‌روند. من از شش پسرم پنج تا رفتند. چرا؟ چون کار نیست. وام‌های کشاورزی و خانه‌های نوسازی‌شده زلزله برای مردم معضل شده. سال ۸۱ به مردم وام دادند؛ موعد پرداختش سربه‌سر شده با قحطی و خشکسالی. مردم را گرفتار کردند و به‌خاطر وام‌ها حکم جلب و زندان صادر شده.»

دعوت می‌کنند داخل خانه‌شان. پذیرایی با نان و کره و پنیر محلی که پیشتر سوغات روستاشان بوده اما حالا حتی کفاف خودشان را هم نمی‌دهد. مرد دیگری می‌گوید: «دیروز پسرهام برگشتن گرگان، فشار زنم رفت رو ۲۵. اگه اینجا کار باشه نمیرن. دوست هم ندارن شهر را و ناراحتن، اما اینجا باشند چه کار کنند. چند خانوار هم همین چندروز کوچ کردند. موقع خداحافظی اینقد گریه کردیم، مردیم.»

مرد جوانی به مهندس قادری، امور آب می‌گوید: «از یک دره در همین حوالی صدای آب میاد. مهندسی که از تهران اومده بود، می‌گفت صدای باده اما نه آبه، آقای مهندس بیا یه نگاهی بنداز، اگه اونجا آب پیدا شه، میریم اونجا کشت می‌کنیم اصلا.»

**بیابان را سراسر مه گرفته**

مسیر برگشت همان جاده تخت و هموار است که بیابان احاطه‌اش کرده و انتهای بیابان به کوه‌ها می‌رسد: «بیابان را سراسر مه گرفته» و هر چند دقیقه گردبادی بلند می‌شود و زوزه‌کشان به این سو و آن سو می‌رود. انبوه کوره قنات‌های خشک شده و کلات‌های ویران از چشم می‌گذرد. در مسیر دو مرد مشغول حفر قناتند برای روستای یزدان‌آباد. آب کم شده و باید حفر کنند تا سفره آب بالا بیاید. پشته‌های خاک بیرون آمده اطراف قنات را احاطه کرده‌اند. با قطب‌نما مشغول جهت‌یابی‌اند. یکی‌شان داخل قنات است. در عمق ۳۳متری و دارد ۱۰متر، ۱۰متر در آن عمق می‌کند و جلو می‌رود. هر ۱۰متر یک‌ماه طول می‌کشد. قناتی دومیلیون‌تومان عایدیشان است. در دهانه قنات جای دست و پاهاست برای بالاوپایین رفتن و ریسمانی برای چنگ‌زدن. یکی‌شان می‌گوید: «هرچه آب است را چاه باغ پسته در همین حوالی برداشت می‌کند.»

**بیشترین خشکسالی امسال در استان سمنان بوده**

مسیر رفت‌وبرگشت داخل ماشین همراه است با توضیحات مهندس قادری، کارشناس آب اداره آب‌های زیرزمینی دامغان. گه‌گاه صدایش در باد گم می‌شود و جمله‌ها نیمه به گوش می‌رسد. می‌گوید: «دیگر نمی‌توانیم بیاییم به روستاها سر بزنیم. آنقدر که مردم می‌پرسند چه می‌شود و ما جوابی نداریم. بیشترین خشکسالی امسال در استان سمنان بوده است. تمام درصد تغییرات بارش و آبدهی نسبت به سال قبل منفی است. ۱۵،۱۰سال اخیر که مجوز چاه عمیق دادند، سطح آب ایستابی پایین رفت و جز معدود قنات‌ها همه خشک شدند. علتش این است که تکنولوژی همیشه می‌آید به اثراتش فکر نمی‌کنند و بعد این اتفاق‌ها می‌افتد. هزینه احیای هر قنات یک‌میلیاردتومان است و به‌صرفه نیست هرچند قنات آسیبی به آب‌های زیرزمینی نمی‌رساند.»

**خط راه آهن تهران- مشهد آبستن حادثه**

یک روستا آب شرب دارد و آب کشاورزی ندارد یکی کشاورزی دارد و شرب ندارد و یکی هیچ‌کدام را ندارد. برای یافتن نمودهای عینی خشکسالی نیاز به رفتن تا دل کویر و روستاها نیست حتی در دفتر مهندس خراسانی مدیر اداره آب‌های زیرزمینی دامغان هم می‌توان نمودش را یافت آنجا که کشاورز برای کمک‌گرفتن آمده که: «آب چاهام هفت‌متر افت پیدا کرده» و در پی احیا و بررسی علتش بود. اینجا قیمت چاه‌های آب تا دومیلیاردتومان هم می‌رسد.

اما روایت خشکسالی در سمنان تنها روایت کویرنشینان روستایی نیست. خیلی نزدیک‌تر در ۱۰دقیقه‌ای شهر سمنان، خشکسالی ردش را در فرونشست زمین نشان داده، در حفره‌های بزرگ که به خط راه‌آهن و جاده می‌رسد. مهندس‌محمد حسینی کارشناس آب سمنان می‌گوید: «زمینی که دچار فرونشست می‌شود دیگر برگشت‌ناپذیر است. دیگر نمی‌شود هیچ استفاده‌ای از آن کرد حتی اگر اقیانوس آرام را هم بیاوری و آبش را اینجا خالی کنی، این زمین دیگر برنمی‌گردد.» سفره آب زیرزمینی در اثر برداشت‌های بی‌رویه پایین می‌آید و زمین خاصیت ارتجاعی‌اش را از دست می‌دهد چراکه دیگر خلل و فرجش آب ندارند. جاده چاه پیزومتر همان چاهی که با آن سطح آب زیرزمینی را رصد می‌کنند، در اثر فرونشست از بین رفته. حتی گون‌ها هم از حفره‌های عجیب و هولناک فرونشست در امان نمانده‌اند. ریشه‌های گون سازگار معلق‌مانده میان حفره‌ها و درختچه در حال جان‌کندن است: «به‌خاطر فرونشست، دیگر توسعه شهر سمنان از جنوب امکان‌پذیر نیست. تنها سمنان نیست، جنوب تهران و همدان هم به فرونشست دچارند و در همدان یک نیروگاه سیکل ترکیبی قرار دارد که حفره‌ها تا صدمتری‌اش پیش رفته‌اند و تا دوسال دیگر نیروگاه خراب می‌شود.» هرسو که سر را بچرخانی حفره‌ها و ترک‌ها را می‌بینی؛ ترک‌هایی که کمی دیگر حفره می‌شوند؛ حفره ۳۰متری با عمق یک‌متر، هشت‌متری و حفره بزرگ چنددهمتری با ترک‌های عمیق. مهندس‌حسینی می‌گوید: «در دشت همدان حفره با عمق ۳۰متر و قطر ۵۰متر هم دیده شده است. چاه پیزومتر ۱۵سانتی بیرون زده است. البته که چاه حرکت نکرده، زمین در این هفت‌سال احداث چاه ۱۵سانت فرونشسته است.» کمی آن‌سوتر ترک‌ها و حفره‌ها به راه‌آهن رسیده‌اند. جاده ترک‌برداشته با تل خاک و بتن سعی در مهار فرونشست داشته‌اند اما موفق نشده‌اند. خط آهن تهران - مشهد با ترک‌های هولناکش آبستن حادثه فرونشست است.

مهندس‌احسانی مدیر آب شهرستان سمنان می‌گوید: «دشت سمنان سالانه ۷۶سانت افت دارد و دلیلش این است که خرج بیشتر از دخل است. در تمام کشور مشکل افت سفره وجود دارد و یکی از علت‌هایش این است که کشاورزی ما سنتی است با راندمان ۳۳درصد، حال آنکه راندمان کشاورزی مدرن ۸۵درصد است. هرچه اضافه برداشت بیشتر باشد، سطح آب زیرزمینی پایین‌تر می‌رود کیفیت آب و راندمان کشاورزی پایین می‌آید و در نهایت فرونشست اتفاق می‌افتد. این درحالی است که اینها ذخایر هزارساله است و برای نسل بعد چیزی نمی‌ماند.»

ادامه از صفحه ۳

## امروز یا فردا توافق هسته‌ای حاصل می‌شود

گزارش روحانی به مذاکرات هسته‌ای و توافق ژنو که رسید و وقتی او از وزیرخارجه ایران و همکارانش که بار مذاکرات هسته‌ای را به دوش گرفته‌اند تشکر کرد، تشویق حضار بیشتر شد. جواد ظریف ایستاده همراه مردم کف می‌زد؛ تشویقی البته طولانی. روحانی گفت که یا امروز یا فردا، توافق هسته‌ای حاصل می‌شود و سازمان تحریم‌ها برداشته شده و به‌هیچ‌وجه قابل بازگشت به قبل نیست. روحانی به شعار معروفی که از کندی نقل می‌شود هم اشاره کرد: «نباید مدام این شعار را که «نگوییم دولت برای کشور چه‌کار کرد، بگوییم ما برای کشور چه‌کار کرده‌ایم» را تکرار کنیم و برای عبور از مشکلات دست در دست هم قرار دهیم.» او بر غرور ایرانیان و حفظ آن برای نسل‌های آینده نیز تاکید کرد. این جمله روحانی نیز با استقبال حضار مواجه شد: «یک کار بیشتر نکردیم و آن این بود که تصمیمات یک‌شبه را کنار گذاشتیم. تصمیمات فی‌البداهه را نپذیرفتیم و برای اجرای هر طرح و برنامه با صاحبنظران و کارشناسان مشورت کردیم.»سخنرانی روحانی با تشویق او به پایان رسید و مراسم شام به‌سرعت برگزار شد. بسیاری البته ترجیح می‌دادند در همین فرصت کنار جایگاه بایستند و با روحانی خوش‌وبش کنند. بعد از پذیرایی، برای خیلی‌ها بیرون‌رفتن از سالن سخت بود، خداحافظی‌های چندباره، ردوبدل کردن شماره تلفن و ایمیل و کارت...

نگاه

## یادمان «ایمان»

جواد منتظری . فعال حوزه رسانه

● یک‌سال از درگذشت «ایمان ابراهیمبای سلامی»، خبرنگار حوزه سیاسی، اجتماعی و بین‌الملل گذشت. او در فضای دوم‌خرداد و جنبش اصلاحات مردم ایران پرورش یافته بود و در زمره نسل جدید و خبرنگاران جوان ایران و از نخستین فارغ‌التحصیلان دانشکده خبر به شمار می‌آمد. عشق و علاقه او به مطبوعات و فعالیت رسانه‌ای تا واپسین دم حیات بر وجود او مستولی بود و لحظه‌ای از خبرنگاری و آگاهی‌بخشی به مردم دریغ نکرد. «ایمان» در روزنامه‌هایی چون حیات‌نو، نوروز، «شرق»، همشهری، یاس‌نو، تهران‌امروز، همبستگی، مردمسالاری و خبرگزاری‌ها و رسانه‌های متعدد قلم زد و در عمر کوتاه خود صدها مصاحبه و گزارش خبری درباره مهم‌ترین مسایل و تحولات ایران و جهان به یادگار گذاشت. مجموعه کارهای «ایمان»، گزارش‌هایی مستند از زندگی، اندیشه و تلاش یک ملت برای خوب‌زیستن است. تسلط او بر حرفه روزنامه‌نگاری و علاقه وافر و پیگیری مستمر اخبار موجب شد تا خبرنگاری مطلع در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی به‌ویژه حوزه «پارلمان» باشد. هرگاه خبری درباره یک شخصیت یا پدیده سیاسی و اجتماعی مطرح می‌شد او پیشینه و تحلیل مناسب را ارایه و مهم‌ترین مواضع شخصیت‌ها را در دوره‌ها و جایگاه‌های متعدد بیان می‌کرد. او خبرنگاری معتقد، متدین و اخلاق‌مدار بود و مصمم بود که استقلال و عزت‌نفس خود را فدای مصلحت نکند و به همین دلیل هرگز سقف معیشت را بر ستون قلم ننهاد و به گردونه فرصت‌طلبان نزدیک نشد. وی سرانجام در پنجم مهرماه ۱۳۹۲ به دیدار معبود شتافت. مرگ او در مطبوعات و رسانه‌های بین‌المللی انعکاس یافت و بسیاری از مردم و شخصیت‌های برجسته سیاسی و فرهنگی ایران را متاثر کرد. مجموعه مصاحبه‌ها، گزارش‌ها و یادداشت‌ها و تحلیل‌های این عضو فعال جامعه مطبوعات ایران در مجموعه‌ای گردآوری می‌شود و به‌زودی منتشر خواهد شد. یادش گرامی و روحش شاد باد.

خبر

سرپرست وزارت علوم:

## شخص خاصی برای وزارت علوم مدنظر نیست

● **ایسنا:** سرپرست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با اشاره به بررسی بورسیه‌های غیرقانونی در وزارت علوم اظهار کرد: تعیین تکلیف ۴۸۰نفر از این افراد به هیات امنای دانشگاه‌ها واگذار شده است. محمدعلی نجفی در جمع خبرنگاران با بیان اینکه کمیته پنج‌نفره برای تعیین‌تکلیف وضعیت هرکدام از بورسیه‌ها با ضوابط مقررشده در وزارت علوم تشکیل شده است گفت، امیدواریم هرچه زودتر تکلیف این افراد روشن شود. وی ادامه داد: با این حال فهرست ۴۸۰نفر از این بورسیه‌ها که به‌عنوان مربی پیمانی در برخی دانشگاه‌ها فعالیت داشتند، ابلاغ شده که باید در مورد آنها در هیات‌های امنای هرکدام از این دانشگاه‌ها تصمیم‌گیری شود. نجفی خاطرنشان کرد: سایر افراد نیز توسط هیات پنج‌نفره وزارت علوم در دست بررسی است که تدریجا با مشخص‌شدن نتایج، در این خصوص اطلاع‌رسانی می‌کنیم. سرپرست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در بخش دیگری درخصوص افزایش پذیرش دانشجو در مقاطع تحصیلات تکمیلی در دانشگاه آزاد بیان کرد: این مساله با نظر وزارت علوم صورت گرفته و از نظر ما کاملا قانونی است. وی در پاسخ به این سوال که نظر شما درخصوص اظهارنظر ریاست دانشگاه آزاد که وعده داده تا بهمن‌ماه امسال نیم‌میلیون دانشجوی تحصیلات تکمیلی خواهیم داشت چیست؟ گفت: در این خصوص من چیزی نمی‌دانم؛ اما آنچه دکتر میرزاده، رییس دانشگاه آزاد درخصوص پذیرش دانشجو در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا در سال‌جاری گفته، مورد تایید وزارت علوم بوده است. نجفی تصریح کرد: اینکه گفته می‌شود، ظرفیت پذیرش دانشجویان دکترا در دانشگاه آزاد هشت برابر افزایش یافته، نظر منتقدان دانشگاه آزاد است؛ طبق محاسباتی که دکتر میرزاده انجام داده بود، این رقم صحیح نیست و میزان پذیرش در این مقطع نسبت به سال قبل، تنها ۱/۷ درصد افزایش داشته است. سرپرست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اضافه کرد: همچنین طبق توضیحاتی که رییس دانشگاه آزاد در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی داد، بسیاری از نمایندگان قانع شدند. وی درخصوص تعیین تکلیف وزیر علوم و معرفی آن به مجلس اظهار کرد: طبق قانون اساسی رییس‌جمهور سه ماه برای معرفی وزیر فرصت دارد که تاکنون یک ماه و چند روز از این مدت گذشته است؛ امیدواریم در ماه آینده فرد مورد نظر معرفی شود. نجفی در پاسخ به سوالی درخصوص اینکه پیش‌تر گفته بود تعیین من به‌عنوان وزیر علوم یک شوخی است، گفت: من در این خصوص گفتم حرف من یک شوخی است نه اصل مساله؛ اصل مساله به تصمیم رییس‌جمهور بستگی دارد. سرپرست وزارت علوم تصریح کرد: در حال حاضر شخص خاصی مدنظر ما نیست و قرار است پس از سفر رییس‌جمهور به نیویورک، در این خصوص تصمیم‌گیری شود. سرپرست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در همایش معنوی میثاق مهر در مشهد مقدس تاکید کرد: دانشگاه برای رسیدن به اهداف متعالی خود و مثمرثمربودن، به هوای پاک و آرامش نیازمند است. وی با بیان اینکه ورود به دانشگاه آغاز فصل جدیدی در زندگی دانشجویان است، اظهار کرد: دانشجو بودن تاثیر مهمی در آینده هر فرد دارد و امیدواریم دانشجویان جدیدالورود بتوانند در آینده کشور تاثیری شگرف داشته باشند. وی خطاب به دانشجویان جدیدالورود گفت: در همین ابتدای کار و آغاز تحصیل، با شهدای انقلاب اسلامی به‌خصوص شهدای علم و دانشگاه مانند شهیدان مطهری، باهنر و مفتح بیعت کنید تا در راه علم گام‌های موثری بردارید.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

**آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره: ۹۳/۷۰۵ (تجدید مناقصه)**
**موضوع: ارائه خدمات اینترنت (ISP) با پهنای باند ۴۰ مگابایت بر ثانیه**
نوبت دوم

| | |
|---|---|
| نام و نشانی مناقصه گزار | استان بوشهر- عسلویه- منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس- شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی پالایشگاه دوم-امور پیمانها |
| آخرین مهلت اعلام آمادگی و تسلیم رزومه متقاضیان شرکت در مناقصه | ۹۳/۰۷/۲۰ |
| مهلت تحویل اسناد مناقصه به شرکت های واجد صلاحیت | ۹۳/۰۷/۲۸ |
| مهلت تحویل پیشنهادات مالی توسط مناقصه گران | ۹۳/۰۸/۰۹ |
| تاریخ بازگشایی پیشنهادات مالی | ۹۳/۰۸/۱۱ |
| نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه(ریال) | پس از مرحله ارزیابی صلاحیت،به مبلغ ۶۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه معتبر بانکی و یا واریز نقدی به شماره حساب سیبا ۰۱۰۶۲۴۰۶۲۴۰۰۶ بانک ملی ایران شعبه عسلویه به نام شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی و ارائه فیش واریزی |

**جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت مجتمع به آدرس WWW.SPGC.IR مراجعه فرمائید.**

**روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی**